تشکیل خط روی تلسکوپ و تحقق مفهوم «لو رآه واحد لرآه اَلف»

(16:12)

ببینید ما که می‌گوییم با تلسکوپ پیدا کنند، برای این است که صرف مطالب علمی نباشد. محاسبات علمی نباشد. چرا منجمینی که خسوف و کسوف را محاسبه می‌کنند، گاهی اشتباه در می‌آید؟! به‌خاطر این‌که این محاسبات دقیق و ظریف است و می‌بینید با محاسبه او این خسوف صورت می‌گیرد، درحالی‌که اشتباه کرده است. چند بار دیگر عرض کردم؛ استاد حسن زاده می‌فرمودند من محاسبه کردم و دیگری محاسبه نکرده بود، اختلاف شد و حرف من درست در آمد. بعد لازمه تقویم نویسی من حرفه‌ای شد، لذا من دیگر تقویم نویسی را کنار گذاشتم. تقویم ایشان چند سال چاپ می شده. به‌خاطر این‌که آن سال یک حرفه‌ای بر آن متفرع شده، ایشان کنار گذاشتند. بنابراین محاسبه این قدر دقیق نیست. اما وقتی با تلسکوپ پیدا کند، دیگر به محاسبه نیست. الآن با تلسکوپ با لفعل نقطه وجود هلال را پیدا می‌کنند. این خیلی اهمیت پیدا می‌کند. به صرف محاسبه نیست. وقتی نقطه را دقیقاً پیدا کرد، این خط رویت را می‌تواند تشکیل بدهد. یعنی الآن می‌تواند بیایی آن نقطه دقیق مختصات سمایی را با این خط به همه نشان بدهد. بگویی بیایید در این خط نگاه کنید و حالا هلال را ببینید. بنابراین کسانی که تیز بین هستند، زود می‌توانند ببینند. دقیقاً با دنباله این خط، هلال موجود را می‌بینند. بنابراین این مساله از نظر تلسکوپ، جهت اثباتی ندارد. جهت کشف نقطه دارد؛ به‌نحوی‌که اگر کسی با محاسبات به آن می‌رسید، آن را می‌دید. لذا این‌که بعداً گفتند فرض تلسکوپ برای عموم افراد، جایگزینی تجربه متخصصینی بشود، بهتر این است که بگوییم این محدوده قابل رویت برای متخصصینی امیده شود! نه، پیدا کردن آن فقط برای متخصصینی است. و الا «لو رآه واحد لراه الف». باید طوری باشد که وقتی با تلسکوپ پیدا کردیم، زمانی می‌گوییم رویت غیر مسلح است که رآه الف. همه بیایند و ببینند. اما با همین توضیح که خط رویت را تشکیل بدهیم. نقطه آن در افق دقیقاً معلوم باشد و بعد از تلسکوپ هم ببینند. خب با این حساب این چیزی دوری نیست که بیایند و در کنند. یعنی در مراحلی که از محض تلسکوپ به محدوده دال در لایه دوم وارد شدیم، در اینجا می‌گوییم با تلسکوپ راحت‌تر پیدا می‌کنیم، اما بعد از این‌که پیدا کردیم اگر نقطه را با تشکیل خط رویت به مردمی که چشمشان معمولی است نشان بدهیم، می‌توانند بدون تلسکوپ ببینند.

شاگرد: جهت دیگری می‌تواند دخالت داشته باشد؛ خاطرم هست که فرمودید باید هلال تشکیل شده باشد. هلال هم مجموعه‌ای از نقاط است. چون تلسکوپ حالت بزرگ‌نمائی دارد؛ اگر ابتدا با چشم نگاه کنیم ممکن است نقطه ببینیم، اما وقتی با تلسکوپ نگاه می‌کنیم ممکن است هلال ببینیم. بعد هم که با چشم می‌بینیم ممکن است هلال در چشم تداعی شود. این ممکن است دخالت داشته باشد ای نه؟

استاد: آن چه که لازمه فرمایش شما است، این است که زیاد شدن قطر هلال و طول قوس، تدریجی است. اما نه به آن صورتی که مرحوم آقای خوئی فرمودند. اگر یادتان باشد جزء لایتجزی فرمودند. عبارتشان یادم نیست. علی ای حال منظورم آن جور نیست. منظورم همین عرفی است. بهصورت مستمر دارد اضافه میشود. هر لحظهای که دارد قطر هلال اضافه میشود، در اینکه چشم بتواند ببیند ای نه، مهم است. لذا حتی این لایههای که آقای ایلوپ فرض گرفته، آن بخشی از لایه که نزدیک تر به بخش باء است؛ بخش باء این بود که چشم میتواند ببیند؛ که آقای عوده این دو لایه را یکی کرده و میگوید: قد یُری بالعین؛ در نرمافزار عوده هم این لایه وسط، حجم وسیعی از کره را در بر میگیرد. خب خیلی واضح است که در این لایه، آن بخشی که به سر سهمی نزدیک تر است، امکان رویتش کمتر است. هر چه شما به لایه بعدی نزدیک تر بشوید امکانیت بیشتر میشود. لذا عرض کردم که همان بخشهای نزدیکش هم کافی است. برای چه؟ برای اینکه بخشهای نزدیک که منطقه وسیعی را تشکیل میدهد، اگر با ابزار و با تلسکوپ پیدا کردی و خط رویت را گذاشتی و مردم آمدند و با نگاه به خط رویت -نه با تلسکوپ- دقیقاً نقطه هلال را پشت این خط دیدند، طبق مبانی کسانی که میگویند چشم غیر مسلح کافی است،- که مبنای مشهور است - حتماً باید این را قبول کنند. خیلی بعید است کسی بگوید چون خط گذاشتی قبول نیست؛ چون اگر این خط را نمی گذاشتی کسی نمی دید! در این شهر از هزار نفر، یک نفر هم نمی دید! حال که این خط رویت را گذاشتی، هزار نفر میبینند. کسی هست که بگوید حالا که هزار نفر دیدند، مجزی نیست؟! گمان نمیکنم.

شاگرد: از آقای شبیری خواندیم که فرمودند مشهور قبول دارند. یعنی اگر با دستگاه ببینند و نشان بدهند.

استاد: بله، عرض میکنم که شاید یک نفر پیدا نشود.

شاگرد۲: پس شرط آن ناحیه این است که اگر با چشم غیر مسلح نگاه شود، هلال ببینند؟

استاد: بله.

بازبینی #1
ایجاد شده 29 ژانویه 2026 14:22:27 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 ژانویه 2026 14:22:55 توسط ... .